

هیأت‌های مذهبی تعارض ساختار و روندهای موجود

هیأت‌های مذهبی، سازمان‌هایی هستند که به گونه‌ای تقریباً همیشگی در معرض دید ساکنان حوزه‌ی تمدنی - فرهنگی ایران قرار دارند؛ از ماوراءالنهر تا غرب قفقاز در شمال، از دریای بالتیک تا غرب شبه جزیره‌ی عربستان در غرب و از آنجا تا کشمیر در جنوب و از کشمیر تا ماوراءالنهر در مشرق، می‌تواند گستره‌ی جغرافیایی این حوزه را مشخص کند. با این حال روشن است که میزان تأثیر اجتماعی آن‌ها و چگالی فرهنگی‌شان در مرکز این حوزه، یعنی در شهرهای قدیمی ایران امروزی به مراتب چشم‌گیرتر از مناطق پیرامونی است. میزهای از ویژگی‌های منحصر به فرد زبانی و زبان‌شناختی (همچون ادبیات سترگ و چند کارکردی / Multifunctional، ویژگی‌های شهر ایرانی (مانند ساختار فضایی شعاعی و مرکزیت سه‌گانه‌ی دارالخلافة، مسجد جامع و بازار در این ساختار شعاعی) و عرفان ایران و... باعث شده است که این شکل خاص از سازمان‌دهی متولی و متصدی اجرای مناسک مذهبی پا به عرصه‌ی وجود بگذارند.

تحلیل و بررسی این سازمان‌ها می‌تواند بر اساس الگوی ارائه شده از سوی آگوست گنت در دو راستای پویایی‌شناختی (تاریخی) و ایستایی‌شناختی صورت بگیرد. از منظر پویایی‌شناختی شاید بتوان سازمان‌های مزبور را شکل‌های پیش‌رفته و استحاله‌یافته‌ی سازمان‌های صنفی - مذهبی ایران سده‌های پنجم و ششم هجری به‌شمار آورد. سازمان‌های صنفی - مذهبی سده‌های مذکور با سرعتی

بسیار دارای کارکرد سیاسی شدند و به‌ویژه در زمان سلجوقیان، بخش عمده‌ی اعتراض / Protest سیاسی - مذهبی ایران را، به‌ویژه، در چهارچوب ایدئولوژیک اسماعیلیان، سازمان‌دهی نمودند و با جذب عقیده‌ی تشکیل حکومت، اجتماعات / Communities/ عشیره‌ای رابه‌سوی یک نظام گسترده‌ی سیاسی - صنفی - مذهبی سوق دادند؛ یعنی تحولی که می‌توان آن را مهم‌ترین عامل در تغییر شهر و شهرنشینی باستانی ایران به شهرنشینی سده‌های میانه قلمداد نمود. بدین ترتیب سازمان‌های صنفی - مذهبی - سیاسی، بستری یا فضای ارتباطی / Communicational Environment/ و ابزار تحول مزبور محسوب می‌شوند. همچنین در عین حال، باید نقش اجتماعی این سازمان‌ها را در چالش مردم ایران با فرهنگ و ساختار سیاسی استبداد شرقی ایرانی یادآور شد.

مجموعه‌ی این نقش‌ها و تأثیرات، همراه با دیگر ارکان تمدن ایرانی در یورش بنیان برانداز مغولی تا مرز نابودی تاریخی پیش رفت و سپس با وحدت سیاسی دوباره‌ی اقوام ایرانی در زمان صفویه، جانی دگرباره گرفت و به راه خود ادامه داد. با این وجود، بسیاری از دوگانگی و چندگانگی‌هایی که مانع توسعه‌ی کیفی شهرنشینی شده و از سوی دیگر، از تحقق و توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی جلوگیری می‌کنند، پاسخ و فرجام تاریخی خود را نیافته و تا زمان کنونی نیز به‌صورت ساختارهایی سمارگه‌نه و ناکارآمد باقی ماندند - که یکی از

آن‌ها وجه معرفتی - فرهنگی استبداد شرقی است.

در این نوشته سعی کردیم از منظر ایستایی‌شناختی، ساختار درونی هیأت‌های مذهبی را مورد بررسی قرار دهیم. اما پیش از ورود به بحث، باید گفت که آنچه در این جا می‌آید حاصل یک مطالعه‌ی مقدماتی است که در یک نمونه‌ی اتفاقی از هیأت‌های مذهبی تهران صورت گرفته است. از این رو نمی‌توان داعیه‌ی شناخت تمام عیار و کاملی را داشت. هدف فروتنانه‌ی این نوشته ارائه‌ی شمایی اولیه از هیأت‌های مذهبی است، که می‌تواند نقطه‌ی آغازی برای بررسی‌های پیش‌رفته و جامع بعدی، قرار گیرد.

بررسی حاضر در ۹۸ هیأت مذهبی که عمدتاً در مناطق مرکزی تهران فعالیت دارند صورت گرفته است. نتایج این بررسی شامل دو قسمت است که یکی حاصل مصاحبه‌های عمقی و دیگری حاصل بررسی ابعاد کمی این هیأت‌ها و فعالیت آن‌هاست. گفتار زیر تنها به ارائه‌ی نتایج بخش کمی می‌پردازد.

تقریباً نیمی از شرکت‌کنندگان در مراسم مختلف این هیأت‌ها را جوانان تشکیل می‌دهند. گرچه اجرای مراسم در هیأت‌ها، چندان جدای از برنامه‌ریزی فعالیت‌ها نیست، اما به هر حال می‌توان مرزهایی را بین فعالیت خاصی که در خود مراسم انجام می‌گیرد با فعالیت‌های قبل از اجرای مراسم تشخیص داد؛ بنابراین این انتظار می‌رود که نسبت حضور جوانان در فعالیت‌های قبل از اجرای مراسم به نحو چشم‌گیری کم‌تر باشد. در خود مراسم می‌توان جوانان را «بهره‌مندان» مراسم مزبور قلمداد نمود. توزیع سنی دیگر بهره‌مندان، یعنی میانسالان و سالمندان، برابر است و هر کدام بیست و پنج درصد شرکت‌کنندگان در مراسم را تشکیل می‌دهند.

(جدول ۱)

سن	درصد
جوان	۵۰
میان سال	۲۵
مسن	۲۵
جمع	۱۰۰

(جدول ۲)

درصد	قشرهای سنی
۱۲/۸	کودک
۱۷/۸	نوجوان
۳۴/۶	جوان
۳۴/۸	بزرگسال
۱۰۰	جمع

مراسمی که از سوی هیأت‌ها برگزار می‌شود، بر سه گونه است. یکی مراسمی که مردان تنها شرکت‌کنندگان آن را تشکیل می‌دهند، دیگری مراسمی که هم زنان و هم مردان در آن شرکت دارند و سوم، مراسمی که تنها شرکت‌کنندگان آن را زنان تشکیل می‌دهند. می‌توان گفت که هیأت مردانه بدین معنی که اجرای مراسم در انحصار مردان باشد، وجود ندارد، تنها تفاوت در این زمینه شامل حرکت در مراسم است. در پاره‌ای از مراسم تنها مردان شرکت می‌کنند و در پاره‌ای دیگر، زنان نیز حضور دارند، هر چند که خود به اجرای مراسم در حضور مردان نمی‌پردازند و در اغلب اوقات نیز در تکرار اشعار و مراثی شرکت نمی‌کنند. در مقابل می‌توان گفت برخی هیأت‌های مذهبی، صرفاً زنانه‌اند. که اجراکنندگان شرکت‌جویان و حضار آن را تنها زنان تشکیل می‌دهند. در نمونه‌ی مورد بررسی به چنین هیأت‌هایی مراجعه نشده است. اما همان‌طور که در جدول زیر دیده می‌شود، ۲۵ درصد مراسم مختلف هیأت‌های - اصطلاحاً - مردانه را مراسمی تشکیل می‌دهد که زنان در آن حضور نداشته‌اند. در مقابل در سه چهارم مراسم زنان نیز به‌عنوان حضار Audience شرکت داشته‌اند.

(جدول ۳)

درصد	ساخت جنسی
۲۵	مردانه
۷۵	مختلط (زنانه - مردانه)
-	زنانه
۱۰۰	جمع

در مصاحبه‌های به عمل آمده، اظهار شد که بعضی از اعضاء و امناء هیأت‌ها را تجار تشکیل می‌دهند، اما در نمونه‌ی بررسی شده هیچ‌یک از اعضاء تاجر نبودند. اکثر شرکت‌کنندگان را کسانی تشکیل می‌دهند که محل کار آن‌ها متغیر است. مانند کارگران فصلی و دانش‌آموزان. با این حال، دو گروه شغلی متمایز قابل تشخیص

کارکرد اصلی

هیأت‌های مذهبی

بازتولید

فرهنگ

و

هویت آن‌ها

و

تعمیم

همبستگی خاص این اجتماع‌ها می‌باشد که

از طریق مراسم خاص

همچون

سینه‌زنی و زنجیرزنی

حاصل می‌شود

هستند، یکی کاسب‌ها و دیگری کارمندان که هر کدام نزدیک به سی درصد جمعیت شرکت‌کنندگان شاغل را شامل می‌شوند.

اعضای هیأت‌ها را می‌توان به سه گروه تقسیم نمود. یکی بهره‌بران و شرکت‌کنندگان در مراسم، دیگری، اعضای فرعی و موقتی و سوم، اعضای اصلی و دائمی. میزان تحصیلات هر یک از گروه‌ها با دیگری متفاوت است و در اعضای اصلی بدین ترتیب می‌باشد که بیش‌ترین نسبت را کسانی تشکیل می‌دهند که میزان سواد آن‌ها در حد ابتدایی است (۴۰ درصد). پس از آن، راهنمایی و دبیرستان قرار دارند که هر کدام بیست درصد اصلی را تشکیل می‌دهند. دارندگان مدرک دیپلم ۱۳/۳ درصد و فوق دیپلم و لیسانس بر روی هم ۶/۷ درصد را شامل می‌شوند. این ترتیب نزولی سطح برخورداری از آموزش کلاسیک می‌تواند نشان از تاخیر نسبی هیأت‌های مذهبی نسبت به ساختار سواد و تحصیلات دیگر سازمان‌های مدنی باشد.

(جدول ۴)

درصد	سطح سواد
۴۰	ابتدایی
۲۰	راهنمایی
۲۰	دبیرستان
۱۳/۳	دیپلم
۶/۷	فوق دیپلم و لیسانس
-	لیسانس به بالا
۱۰۰	جمع

به نظر می‌رسد که اکثر هیأت‌ها از سازمان‌هایی تشکیل شده باشند که ابعاد بزرگ و حجیمی ندارند. نسبت هیأت‌هایی که شرکت‌کنندگان در مراسم آن‌ها را کم‌تر از ۱۵۰ نفر تشکیل می‌دهند، در مورد مردان ۴۶/۹ درصد و در مورد زنان ۵۷/۱ درصد هیأت‌های مورد بررسی بوده است. این نسبت در مورد هیأت‌هایی که بین ۱۵۱ تا ۳۰۰ نفر شرکت‌کننده داشته‌اند، در مراسمی که مردان شرکت می‌کنند حدود یک چهارم و در مراسمی که زنان شرکت حضور داشته‌اند، حدود یک پنجم بوده است. جدول زیر نشان می‌دهد که تعداد و نسبت هیأت‌هایی که عده‌ی زیادی در مراسم آن‌ها شرکت می‌کنند، بسیار محدود است. روشن است که برنامه‌ریزی برای ارائه‌ی خدمات و جمعیت‌های بزرگ‌تر نیازمند سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی وسیع‌تر و برخورداری از امکانات بیش‌تر است. بر مبنای داده‌های زیر می‌توان گفت که حوزه‌ی عمل اکثر هیأت‌ها به واحدهای کوچک و خیابان محدود می‌شود، در موارد اندکی واحد محله را شامل می‌گردد و در موارد بسیار محدودی شعاع عمل وسیع‌تری می‌یابد.

(جدول ۵)

مرد	زن	اعضاء هیأت
۴۶/۹	۵۷/۱	زیر ۱۵۰ نفر
۲۴/۵	۱۹/۴	۱۵۱ - ۳۰۰ نفر
۱۸/۴	۱/۱	۳۰۱ نفر و بیش‌تر
۲۲	۲۲/۴	نامشخص
۱۰۰	۱۰۰	جمع

یک‌سوم هیأت‌ها فقط در ایام عزاداری و ماه رمضان فعالیت دارند، ولی دو سوم آن‌ها در تمام طول سال مراسمی را برگزار می‌کنند. علاوه بر این باید به نسبت تواتر اجرای مراسم نیز توجه نمود. جدول زیر نشان می‌دهد که بیش از یک‌سوم هیأت‌ها هر هفته فعالیت دارند، اما نسبت هیأت‌هایی که به‌طور ماهانه فعالیت می‌کنند، به‌طور محسوسی کم است (تنها ۳/۱ درصد). همچنین هیأت‌هایی که فقط در مناسبت‌هایی که در سال یکبار اتفاق می‌افتند، به فعالیت می‌پردازند نیز چندان زیاد نیست (۱۵/۳ درصد). گرچه شاید بتوان گفت آن‌دسته از هیأت‌هایی که به‌طور موردی فعالیت می‌کنند، نیز کم و بیش در سال، یک مراسم را برگزار می‌سازند.

(جدول ۶)

برنامه‌ی زمانی	درصد
هفتگی	۳۴/۷
ماهانه	۳/۱
سالانه	۱۵/۳
موردی	۲۲/۴
نامشخص	۲۲/۵
جمع	۱۰۰

نزدیک به ۷۸ درصد هیأت‌ها مراسم خود را در اوقات فراغت شبانه به اجرا در می‌آورند؛ اما با توجه به جداول پیشین می‌توان گفت که این امر عمدتاً تابع وضعیت شغلی اعضاء و اعضای اصلی است.

(جدول ۷)

زمان اجرا	درصد
صبح‌ها	۶/۱
بعدازظهرها	۷/۱
شب‌ها	۷۷/۶
مختلف (بعدازظهر و شب‌ها صبح و شب‌ها)	۳/۱
نامشخص	۶/۱۶
جمع	۱۰۰

جدول زیر نشان می‌دهد که نزدیک به یک‌سوم هیأت‌ها فقط مراسم زنجیرزنی و سینه‌زنی برگزار می‌کنند. فعالیت‌هایی چون اعطای کمک نقدی، کمک به فقرا و سفره دادن هر کدام ۵/۳ درصد فعالیت هیأت‌ها را شامل می‌شوند. یکی از نکات قابل توجه در جدول زیر فعالیت‌های اقتصادی است که ۱۵/۸ درصد فعالیت هیأت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. در این میان باید به این نکته نیز توجه نمود که برگزاری کلاس‌های آموزشی (آموزش دینی و مذهبی) و تهیه‌ی تجهیزات و سایر فعالیت‌های خدماتی نیز هر کدام بیش از ۱۰ درصد فعالیت هیأت‌ها را شامل می‌شود. با این حال، می‌توان گرایش عمده را در فعالیت‌های هیأت‌ها تشخیص داد و بر این اساس کارکرد اصلی آن‌ها را در بازتولید فرهنگ و هویتی دانست که از طریق مراسم خاصی همچون سینه‌زنی و زنجیرزنی تحصیل می‌شود. روشن است که تحکیم همبستگی خاص اجتماعات مذکور نیز کارکرد دیگری است که می‌توان به‌عنوان یکی از کارکردهای اصلی هیأت‌ها از آن‌ها نام برد.

نتیجه‌گیری فوق در کنار داده‌های جداول زیر وضوح بیشتری می‌یابد: مالکیت محل برگزاری مراسم در ۶۶/۳ درصد هیأت‌ها

متمرکز نمودن تخصیص منابع و هدایت هیأت‌ها

می‌تواند

حاکمی از

گرایش به

بوروکراتیک‌کردن

فعالیت آن‌ها

باشد

در حالی که

تصدی جامعه‌پذیری هیأتی

به

بوروکراسی کنونی

خود

باعث

ناکارایی آن‌هاست

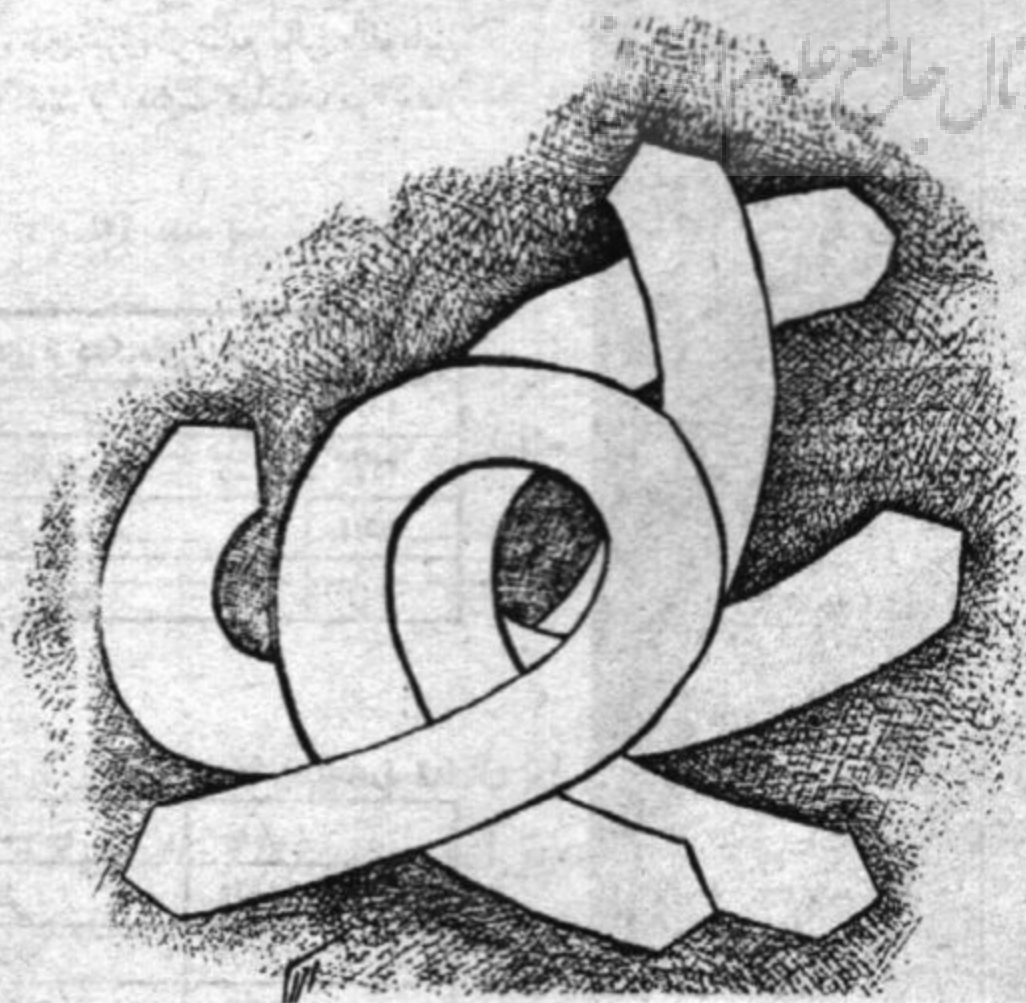
شخصی (حقیقی) است و در حدود یک‌پنجم آن‌ها اماکن عمومی (مسجد و حسینیه) را شامل می‌شود. حال با در نظر گرفتن این‌که اکثر این هیأت‌ها در حوزه‌های جغرافیایی محدودی فعالیت می‌کنند، می‌توان دریافت که چرا فعالیت‌های مدنی (حتی فعالیت‌های خیرخواهانه چون تهیه‌ی تجهیزات) بخش اندکی از فعالیت هیأت‌ها را تشکیل می‌دهد. به‌ویژه آن‌که منابع مالی بخش بسیار کمی از هیأت‌ها دارای سازمان‌یافتگی است (۱۱/۱ درصد) و از طریق پرداخت حق عضویت تأمین می‌شود. در سایر موارد، هیأت‌ها برای انجام فعالیت‌های خود به منابع شخصی و نذورات، وابسته هستند و در ۲۲/۲ درصد نیز به کمک‌های دولتی. این شرایط نمی‌توانند به انگیزش جمعیت بهره‌گیران از مراسم هیأت‌ها، برای مشارکت در تصمیم‌گیری، تأمین منابع و نظارت سازمان‌یافته منجر شوند. زیرا اگر تأمین‌کنندگان منابع به‌طور سازمان‌یافته (مثلاً پرداخت حق عضویت) به این کار بپردازند، در مقابل، خواهان مشارکت در امور فوق‌الذکر خواهند شد و نوعی مدیریت جمعی را ایجاد خواهند کرد که با ساختار کنونی اکثر هیأت‌ها هماهنگی ندارد.

(جدول ۹)

نوع مالکیت	درصد
شخصی (ثابت و متغیر)	۶۶/۳
مسجد و حسینیه	۲۰/۴
وقفی و اجاره‌ای	۵/۱
نامشخص	۸/۲
جمع	۱۰۰

(جدول ۸)

نوع فعالیت	درصد
سینه‌زنی	۲۱
سفره‌دادن (نذر)	۵/۳
سفر زیارتی	۱۰/۵
کلاس آموزشی	۱۰/۵
فعالیت‌های اقتصادی	۱۵/۸
ارسال کمک و خرید ماشین برای جبهه	۵/۳
زنجیرزنی	۱۰/۵
تهیه تجهیزات و فعالیت‌های خدماتی	۱۰/۵
کمک‌های عمومی (به فقرا)	۵/۳
کمک‌های نقدی	۵/۳
جمع	۱۰۰



منظور از متناسب نبودن ساختار مدیریتی برای برانگیختن

و جذب منابع مالی بالقوه این است که تصمیم نهایی در ۷۰ درصد موارد توسط امناء و در ۳۰ درصد موارد توسط یک نفر گرفته می‌شود

(جدول ۱۰)

درصد	منابع مالی
۱۶/۷	دولتی
۲۲/۲	غیردولتی
۱۱/۱	پرداخت حق عضویت
۱۶/۷	نذورات (صرفاً)
۳۳/۳	نذورات، دولتی، شخصی
۱۰۰	جمع

گفتنی است که در اکثر موارد، کمک‌های دولتی نیز نمی‌تواند نیاز هیأت‌ها را برآورده سازد، هر چند که نفس این وابستگی، استقلال عمل هیأت‌ها را محدود ساخته و از گرایش مدنی آن‌ها می‌کاهد. با این حال، دوسوم مشکلات هیأت‌ها مشکل مالی است و نشان می‌دهد که عدم تناسب ساختار مدیریتی و نظام سازمانی با فعالیت‌های مورد نظر و تقاضای موجود، می‌تواند عامل اصلی ناتوانی هیأت‌ها برای بهره‌گیری از منابع مالی بالقوه‌ای باشد که بهره‌گیران از فعالیت هیأت‌ها در اختیار دارند.

(جدول ۱۱)

درصد	رضایت‌مندی از کمک‌های دولتی
۱۱/۱	راضی
۳۳/۳	ناراضی
۵۵/۶	ابراز نشده
۱۰۰	جمع

(جدول ۱۲)

درصد	نوع مشکل
۶۶/۶	مالی
۳۳/۴	منفرقه
۱۰۰	جمع

منظور از متناسب نبودن ساختار مدیریتی برای برانگیختن و جذب منابع مالی بالقوه، این است که تصمیم نهایی در ۷۰ درصد موارد، توسط امناء و در ۳۰ درصد موارد توسط یک نفر (بنیان‌گذار هیأت) گرفته می‌شود. این ویژگی باعث می‌شود که نوع فعالیت و چگونگی آن تابع نظر یک شخص یا جمع محدودی باشد و لذا حمایت مالی اعضاء و بهره‌گیران عملاً به مواردی که اعتماد شخصی وجود داشته باشد، محدود می‌شود. این جاست که روند موجود که از سویی بر بنیادی تاریخی استوار است و در طول سده‌های گذشته پیموده شده، و از سوی دیگر، از وقوع انقلاب اسلامی و به‌ویژه دوم خرداد بدین سو همزمان به صورت یک تقاضای گسترده و یک اعتراض وسیع نسبت به برآورده نشدن تقاضای مزبور، بارز گشته است بنابراین این - با ساختار کنونی هیأت‌های مذهبی در تعارض قرار می‌گیرد.

(جدول ۱۳)

درصد	چگونگی اخذ تصمیم نهایی توسط هیأت امناء و یا مشورت توسط هیئتی اعضا توسط بنیان‌گذار (صرفاً)
۷۰	توسط هیأت امناء و یا مشورت
۳۰	توسط بنیان‌گذار (صرفاً)
۱۰۰	جمع

از منظر تنوع از سه زاویه می‌توان هیأت‌های مذهبی را مورد بررسی قرار داد جامعه‌شناسی دین جامعه‌شناسی سازمان مردم‌شناسی

(جدول ۱۴)

درصد	نوع نهاد
۲۱/۶	رسمی
۲۵	غیررسمی
۳۳/۴	ابراز نشده
۱۰۰	جمع

به نظر می‌رسد برآورده شدن تقاضای مزبور، نیازمند رسمیت یافتن هیأت‌ها شناسنامه گرفتن و مشخص شدن فعالیت و نظام عضوگیری و اجرای مراسم آن‌ها، تغییر ساختار آن‌ها در راستای مشارکت اعضاء در نظام تصمیم‌گیری و نظارت بر چگونگی هزینه شدن منابع و مشارکت در تأمین مورد نیاز

مطالعات فرهنگی
مجله علمی و پژوهشی

هیأت‌ها باشد. این در حالی است که در حال حاضر ۴۱/۶ درصد هیأت‌های نمونه به صورت نهاد رسمی فعالیت می‌کنند و ۲۵ درصدشان به صورت نهاد غیررسمی، ۳۳/۴ درصد باقی‌مانده نیز که نوع نهاد خود را مشخص نکرده‌اند، به احتمال زیاد فعالیت غیررسمی دارند. در حالی که هیأت‌های فعال در مناطق تهران بزرگ بالغ بر ۸۵۹۰ هیأت بیان می‌شود، ۹۰۰ هیأت به ثبت رسیده و فعالیت رسمی دارند. این در حالی است که رسمیت یافتن، تنها یکی از شروط لازم برای رفع تعارض ساختار کنونی هیأت‌ها با روند و تقاضای موجود به‌شمار می‌رود.

در خاتمه باید گفت که از منظر تئوریک، از سه زاویه اصلی می‌توان هیأت‌ها را مورد بررسی قرار داد؛ جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی سازمان و مردم‌شناسی (علاوه بر ده‌ها زاویه دیگر که احتمالاً فرعی قلمداد می‌شوند). از منظر جامعه‌شناسی سازمان، باید گفت که تعارض فوق‌الذکر، حکایت از وقفه در روند تبدیل سازمان‌های *collagiom* به سازمان‌های بوروکراتیک (عقلانی) در نظام اجتماعی ایران دارد. سازمان‌های *collegiom* که دیوان‌سالاری کهن ایران، خود از نمونه‌های بارز آن به‌شمار می‌رود، رابطه‌ی فرمانبری - فرمان‌دهی بر مبنای «حیثیت مرتبه Status

donor یا پایگاه‌های محول شکل می‌گیرد و لذا امکان ارتقاء در آن‌ها بسیار محدود است. البته اکثر سازمان‌های دینی در سراسر جهان تا زمان کنونی از نظام تصمیم‌گیری و سروری *Herrschaft* غیربوروکراتیک برخوردار هستند (حتا گسترده‌ترین و در عین حال متشکل‌ترین آن‌ها یعنی خود کلیسا نیز علی‌رغم تنوع وسیع داخلی آن) که کمابیش به یک سازمان بوروکراتیک تبدیل نشده‌اند. بنا براین، بحث در باره‌ی این سازمان‌ها دارای پرونده‌ای مفتوح است که در آن سه احتمال مورد بررسی قرار می‌گیرد، یکی دموکراتیزه شدن این سازمان‌ها، دیگری برخورداری از مدیریت و سروری *Collegiom* (که همان نظام امنایی است) و سوم برخورداری از نظام بوروکراتیک - هیروکراتیک.

به نظر می‌رسد که تلاش برای سامان‌دهی هیأت‌های مذهبی در ایران راه سوم را پیشنهاد و دنبال می‌کند؛ متمرکز نمودن تخصیص منابع و هدایت فعالیت‌ها و اعمال نظارت حکومتی بر عملکرد هیأت‌ها می‌تواند حاکی از گرایش به بوروکراتیزه کردن فعالیت هیأت‌ها باشد. این در حالی است که تصدی جامعه‌پذیری هیأتی به بوروکراسی دولتی کنونی، خود باعث ناکارآمدی این بوروکراسی به‌شمار می‌رود و در این صورت، می‌توان گفت که بوروکراتیزه شدن

هیأت‌ها به مثابه تشدید و گسترش مشکلات نهادی و ساختاری بوروکراسی کنونی خواهد بود. اما روند مدنی شدن *Civilizing* سازمان‌های غیردولتی که هیأت‌های مذهبی یکی از گسترده‌ترین آن‌ها می‌باشند، حاکی از یک روند دیگر نیز می‌باشد: روند دموکراتیزه شدن فعالیت این هیأت‌ها. به نظر می‌رسد که اگر این هیأت‌ها بخواهند در حیات اجتماعی ایران باقی بمانند و به‌صورت زاینده‌هایی بی‌کارکرد در نیامده و کارکردهای اصلی خود را به سازمان‌های مدرنی از قبیل فرهنگ‌سراها و باشگاه‌های فرهنگی واگذار نکنند، چالش آتی آن‌ها نه چالش *collegial* - بوروکراتیک، بلکه چالش *collegial* - دموکراتیک خواهد بود؛ هر چند که گرایش تمرکزگرایانه نیز به‌عنوان گرایش آن بخش از نظام حکومتی که خود را متولی امور هیأت‌ها می‌داند، عملاً این چالش را به چالشی سه‌وجهی تبدیل کرده و بر پیچیدگی ابعاد مسأله، از سویی، و بسی‌سازمانی فعالیت‌های جاری، از سوی دیگر، بیفزاید. با این حال شایان ذکر است که بحث نظری در باره‌ی سازمان‌های دینی نیز کماکان بحثی جدی است که گمان می‌رود در آینده فعال‌تر هم بشود و افق‌های جدیدی برای محققان بگشاید. **همکاران در جمع‌آوری اطلاعات:** ملیحه آقاچانی، فیروزه سلیمانی، لילה همتی.

اندیشه جامعه

بر آن است که در هر شماره، به نقد و بررسی یکی از کتاب‌های مطرح و تأثیرگذار کشور در حوزه‌ی علوم اجتماعی، دست یازیده و از این طریق به بررسی همه‌جانبه‌ی آن پردازد. در این بررسی، آراء مؤلف، ناشر، منتقد و خوانندگان یک‌جا و در کنار هم مطرح خواهد شد.

اولین کتاب مورد بررسی «خود جامعه‌شناسی» تألیف یوسف اباذری است که توسط «طرح نو» انتشار یافته است.

اندیشه جامعه، برای بسط و تعمیق فرهنگ نقد و سنجش‌گری و اعتلای خرد و اندیشه‌ی جامعه، در این زمینه، از طرح دیدگاه‌ها و آرایه‌ی راهنمایی‌های تمامی علاقه‌مندان، به‌ویژه اندیشمندان و دانشجویان، استقبال می‌کند.

اندیشه جامعه

بر آن است که از این پس صفحاتی را به دانشجویان اختصاص دهد. آراء دانشجویان در قالب میزگردهای دانشجویی، مقالات و گزارش‌ها انعکاس می‌یابد و شورایی متشکل از دانشجویان، موضوع‌ها و نحوه‌ی انجام کار را مشخص می‌کند. از دانشجویان سراسر کشور دعوت می‌شود، برای پربار ساختن این بخش، دیدگاه‌ها و آراء خود را با «اندیشه جامعه» در میان بگذارند.